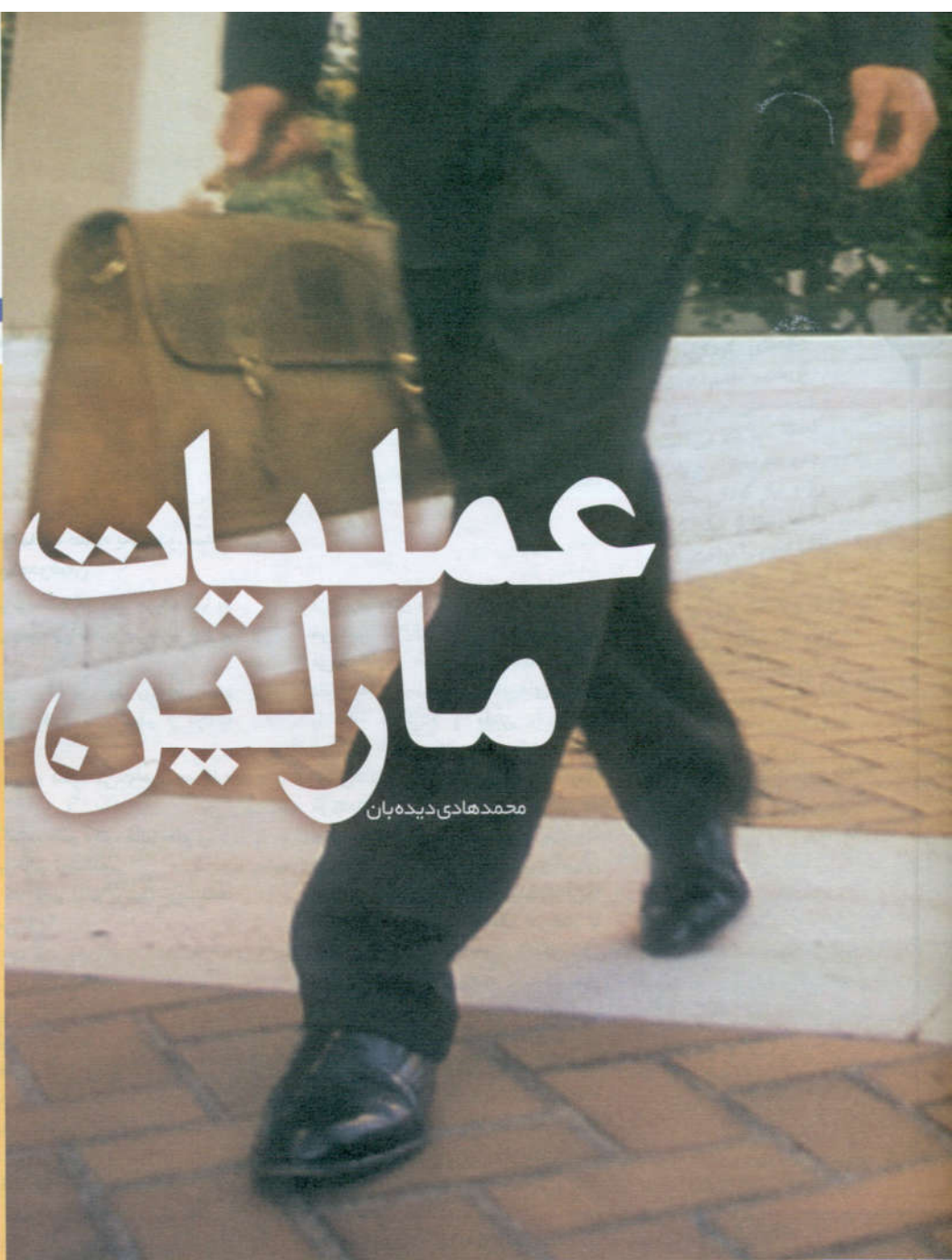




عملیات مارلین

محمد هادی دیده بان

پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مراحل ساخت بمب اتمی به شمار می‌آید، فعالیت می‌کرد.

آژانس اطلاعاتی آمریکا بعد از بازجویی‌های مفصل، او را برای به‌کارگیری در پروژه‌ها و مأموریت‌های خود استخدام کرده و سپس با اعطای هویتی جدید و پرداخت حقوق ماهانه پنج‌هزار دلار، مراقبت و محافظت از او را در دستور کار خویش قرار داد.

در اواخر دهه ۹۰ مسؤولان این سازمان تصمیم به بهره‌گیری از وی در عملیاتی سری و پیچیده با نام رمزی «مارلین» گرفتند.

در این عملیات از دانشمند اتمی روس خواسته شده بود با هدف نفوذ در قلب پروژه هسته‌ای ایران و به تعویق انداختن آن با ایرانی‌ها ارتباط برقرار کنند.

آن‌ها بر اساس نقشه اجرایی عملیات، داستانی پوششی و غیر واقعی درباره هویت وی ساخته و پرداخته کرده، در مرحله اول از او خواستند به دانشمندان هسته‌ای ایران نزدیک شده و به آنان پیشنهادی دربردارنده خرید اطلاعات فنی در خصوص نحوه تولید سلاح اتمی ارائه دهد. در گام بعدی وی موظف بود با بهره‌گیری از تعاملات خود با دانشمندان ایرانی با نماینده این کشور در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی واقع در وین ارتباط برقرار سازد.

وی در آغاز راه و به تبع آموزش‌هایی که توسط سازمان فراگرفته بود درباره چگونگی برقراری تماس با دانشمندان فیزیک و شیمی و همچنین متخصصان هسته‌ای و هرکسی که احتمال ارتباط وی با پروژه اتمی ایران می‌رفت، به جست‌وجوی دامنه‌داری در اینترنت پرداخته و نامه‌های الکترونیکی فراوانی برای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایرانی فرستاد و نیز در تعدادی از کنفرانس‌های بین‌المللی پیرامون مسائل هسته‌ای، مشارکتی فعال داشت.

او در اثانی یکی از این کنفرانس‌ها موفق به برقراری ارتباط با یکی از استادان دانشگاهی ایران در زمینه فیزیک شد. بعد از این اتفاق بود که وی نامه‌ای از فیزیک‌دان یاد شده دریافت کرد که در آن طرف ایرانی از اشتیاق و علاقه‌مندی خود به اطلاعات و دانش اتمی مهندس روسی سخن به میان آورده بود.

در این زمان بود که عملیات سری دستگاه جاسوسی سیا با فرستادن دانشمند فراری روسیه به وین و تقاضای وی جهت برقراری ارتباط با هیئت دیپلماتیک ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وارد مرحله‌ای حساس شد.

قبل از آن‌که این مأمور سیا به سوی وین پرواز کند از وی خواسته شد که خود را به‌عنوان مهندس روسی و بیکار، منفعت‌طلب و سودجو و آماده واگذاری اطلاعات در زمینه کیفیت ساخت بمب اتم در ازای دریافت سود مناسب معرفی نماید.

سیا در ادامه این ماجرا اقدام به تحویل نقشه‌های مخصوص سیستم انفجاری ویژه بمب‌های اتمی روسیه (TB480) به وی کرد که در نوع خود یکی از پیچیده‌ترین اسرار و برنامه اتمی روسیه به شمار می‌آمد و توسط یکی از دیگر دانشمندان فراری روس، مدت‌ها قبل در اختیار آمریکا قرار گرفته بود.

کارزار شده و چاپ آن‌ها را خیانت و بی‌اعتنایی به امنیت ملی آمریکا می‌انگارد.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب وضعیت جنگ... تاریخ سری سیا و دولت بوش اشاره داشت که چندی پیش توسط جمیز ریزان (روزنامه‌نگار حرفه‌ای نیویورک تایمز در امور اطلاعاتی و امنیت ملی) انتشار یافت و در آن، این روزنامه‌نگار کهنه‌کار از پروژه اطلاعاتی «عملیات مارلین» که توسط سازمان اطلاعاتی آمریکا و با موافقت دولت وقت آمریکا در سال‌های پایانی دهه ۹۰ طراحی و به مرحله اجرا در آمده، پرده برداشت.

داستان چیست؟

شاکله این عملیات که بر محور برنامه اتمی ایران برنامه‌ریزی شده بود بر پایه ایده ارسال یکی از متخصصان هسته‌ای روسیه با چمدانی از نقشه‌های دستکاری‌شده ساخت بمب اتم به ایران استوار بود.

ریزان در کتاب خود پیرامون جزئیات عملیات یادشده چنین می‌نویسد:

در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ م یکی از مهندسان اتمی روسیه به ایالات متحده گریخت. وی در مهم‌ترین تأسیسات هسته‌ای روسیه یعنی «از رامس ۱۶» به‌عنوان متخصص در مجموعه مسلح‌سازی، که یکی از

اشاره

ایالات متحده و فهم ساختارهای سیاسی و فرهنگی آن و درک روابط به‌هم تنیده این دو عنصر تمدن‌ساز در نظام حاکم بر این کشور حقیقتاً پیچیده و تعجب‌آور است. یکی از این پیچیدگی‌های معماگونه و بغرنج موضوع آزادی و گستره حقیقی آن در این کشور است؛ موضوعی گنگ و جنجالی که صف‌کشی‌های شگفت‌انگیزی را در میان اندیشمندان، سیاستمداران و طبقات میانی این جامعه باعث شده است.

نگاهی گذرا به تحولات و رویدادهای رایج در عرصه سیاسی و اجتماعی ایالات متحده، پژوهشگر را در جواب به این سؤال که: آیا می‌توان از آزادی‌های اساسی و زیربنایی در ساحت فرهنگ و سیاست این کشور نشانه‌ای یافت؟ بر سر دو راهی حیرت‌آوری قرار می‌دهد. برای نمونه از سوی، خبرنگاری تنها با انتشار چند عکس از تابوت‌های سربازان کشته شده آمریکایی در عراق و افغانستان از کار برکنار شده، چندی بعد جنازه کرم‌خوردۀش در حومه شهر نیویورک یافت می‌شود! و از دیگر سو، تقریباً در همان زمان کتاب‌هایی مجوز انتشار می‌یابند و گستره جنجال‌آفرینی آن‌ها تا آن حد فراگیر می‌شود که ناگزیر دولت بوش، خود رسماً وارد میدان

در هر صورت خواه جواب مثبت باشد و خواه منفی، انگیزه مقامات این کشور از جنجال پیرامون این موضوع و به ویژه رسانه‌ای کردن آن را در چه باید جست‌وجو کرد؟

داستانی دیگر!

مجموعه این نکات قابل تأمل، ما را در یافتن پاسخی منطقی و روشن مردد ساخته و این پرسش را رویاروی فهم مخاطبان قرار می‌دهد که: آیا نمی‌توان پروبال دادن به موضوع یاد شده و ایجاد جنجال‌های حاشیه‌ای این عملیات را ساخته و پرداخته دستگاه‌های امنیتی آمریکا و به ویژه سیا دانست؟ نگارنده، وقوع و حتی کثرت وقوع پروژه‌هایی از نوع مارلین را امری کاملاً واضح و طبیعی در حوزه عملیات‌های اطلاعاتی می‌داند و معتقد است نباید هیاهوهایی از این دست را به شکلی ساده‌انگارانه باور کرد. بدون تردید، قرار گرفتن مارلین در چرخه جدید عملیات روانی غرب علیه برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران دور از ذهن به نظر نمی‌آید. در حقیقت شاید بتوان جنجال اخیر رسانه‌های آمریکایی و به ویژه شبکه تلویزیونی CBS را آغاز دوره تازه‌ای از جنگ‌های نرم دانست که به مدد پشتیبانی بی‌حد و حصر رسانه‌های فعال غربی و با هدف ترویج و فراگیر نمودن فضای «ایران هراسی» و ایجاد رعب و وحشت ساختگی در میان جوامع عربی و غربی دامن زده شده است.

می‌توان گفت متفکران امنیتی سرویس‌های جاسوسی غربی با هدف تحقق موضوع یاد شده و در راستای ایجاد فضای ترس و بدبینی جهانیان نسبت به انگیزه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، به جعل کردن داستان‌هایی از این گونه پرداخته و سپس به شیوه‌ای غیررسمی و به واسطه پیاده‌نظام رسانه‌ای خود آن‌ها را به اذهان و افکار عمومی مردم خود تزریق کرده‌اند. از دیگر سو با علم تکذیب و گاه حتی تأیید نمودن این داستان‌سرایی‌ها، خوراک فکری مناسبی فراهم کرده و سپس با در اختیار گرفتن باورهای عمومی، ضمن شکل‌دهی فضای تردید و بدبینی زمینه را جهت صورت دادن برخوردهای نرم و سخت با کشور هدف فراهم می‌سازند.

در پایان باید گفت جنجال‌های رسانه‌ای از نوع مارلین افزون بر آن که لزوم هوشیاری مردم و مسئولان نظام را می‌طلبد، نیازمند پاسخی روشن‌گرانه و دقیق برای آگاهی و دقیق برای آگاهی بخشی به مردم ایران و جهان است.

کارشناسان و علاقه‌مندان حوزه مسائل امنیتی به آسانی نمی‌توانند نمای کلی طرح عملیات را بفهمند. همچنین علامت سؤال‌هایی اساسی فراروی درک بی‌شائبه این ماجرای جنجالی قرار دارد که بدون پاسخ‌گویی صحیح به آن، مارلین از سهم چندانی از پذیرش برخوردار نیست. اولین پرسش‌ها آن است که ریزان اطلاعاتی به این درجه از حساسیت را از چه منبعی کسب کرده است؟

هرچند آگاهان سیاسی و رسانه‌ای به این مهم واقفند که رابطه تنگاتنگی میان ارباب رسانه‌ها و کمپانی‌های خبری و به ویژه نویسندگان و کارشناسان ساحت‌های امنیتی با سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی غربی و از آن جمله ایالات متحده برقرار می‌باشد، تا آن‌جا که بسیاری از ابزار ارتباط جمعی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم توسط عوامل و کارمندان این سازمان‌ها اداره می‌شوند.

نکته اساسی اما این‌جاست که آیا نمی‌توان حد و مرزی خاص برای این دست از بدوستان‌های امنیتی قائل شد؟

به راستی اطلاعاتی به حساسیت عملیات مارلین چرا و چگونه نشت کرده است؟ آیا فاش شدن اطلاعات پیرامون موضوعی به این درجه از اهمیت که مستقیماً با امنیت ملی آمریکا گره خورده توجیه منطقی دارد؟ آیا افرادی در سازمان اطلاعاتی آمریکا وجود دارند که حاضر به افشای پروژه‌هایی چنین سرنوشت‌ساز به خبرنگارانی همچون ریزان باشند؟

نکته مهم بعدی آن است که اساساً دانشمند روسی از کجا و چگونه از ماجرای دستکاری نقشه‌ها اطلاع یافته بود؟ آیا سرویس جاسوسی ایالات متحده مکانیزم حفاظتی خاصی برای جلوگیری از آگاهی وی از تغییرات صورت‌یافته در نظر نگرفته بود؟ مسأله بعدی آن‌که سازمان سیا چگونه و به چه طریقی از خیانت وی مطلع شد؟

عدم هیچ‌گونه اشارهای به فرجام و سرانجام دانشمند اتمی سابق روسیه نیز چهارمین ابهام این ماجراست. آیا او در قبال چنین خوش‌خدمتی کم‌سابقه، به جمهوری اسلامی پناهنده شده یا اقدام به ریسکی بزرگ نموده و به ایالات متحده بازگشته است؟ اصولاً انگیزه وی از جلب اعتماد و حمایت از ایران چه بود؟

سکوت معنی‌دار

اما اساسی‌ترین و تاریک‌ترین ابهام پروژه مارلین بر چرایی اجازه نشر جزئیات این عملیات از سوی و چرایی عدم تکذیب آن از سوی دولت آمریکا بازگشت می‌کند. به‌راستی چرا تیغ تیز سانسور رسانه‌ای این کشور که سابقه‌های طولانی در ممانعت از انتشار مطالبی که آن‌ها را مخالف امنیت ملی آمریکا می‌خواند، داشته اقدام به جلوگیری از چاپ این کتاب نکرده است؟! صرف‌نظر از جواب این سؤال، چرا مسئولان سازمان اطلاعاتی آمریکا و یا دولتمردان کاخ سفید از تکذیب محتوای ماجرای مارلین خودداری ورزیده و تنها آن را خیانت به امنیت کشور برشمردند؟

آیا این امر را می‌توان تأیید ضمنی وقوع این ماجرا توسط مقامات بلندپایه امنیتی ایالات متحده دانست؟

اما نکته مهم در این ماجرا آن بود که تکنسین‌های اتمی ایالات متحده بدون اطلاع دانشمند روسی تغییراتی در نقشه‌های یادشده داده بودند. این تغییرات به گونه‌ای بود که اسناد را از جهت فنی و تکنولوژیکی فاقد ارزش می‌ساخت؛

اما مشکل حقیقی از آن‌جا آغاز شد که دانشمند روسی بعد از ورودش به پایتخت اتریش و پس از آگاهی یافتن از وجود تغییرات و دستکاری شدن نقشه‌ها، به صورت خودسرانه و پنهانی به همراه کیف حاوی اسناد اتمی یادداشتی در اختیار دانشمندان ایرانی قرار داد که آنان را از کیفیت تغییرات فنی در سطح نقشه آگاه می‌ساخت. سرانجام در ماه فوریه ۲۰۰۰ نقشه‌های یاد شده به ضمیمه پیغام هشدارآمیز و آگاهی‌بخش مهندس روسی به تهران رسید تا بدین‌سان ایران با دریافت آن طرح‌ها و نقشه‌ها که امکان استفاده از آن‌ها در روند فراگیری کیفیت ساخت بمب هسته‌ای وجود دارد، هدیه‌ای از سیا پذیرفته باشد!

«جمیز ریزان» در پایان این داستان خاطرنشان می‌سازد که:

«در باب چرایی اقدام این مأمور نافرمان می‌توان گفت: آن قدر که او از این کارش در پی کسب اعتماد ایرانیان بود در پی تباه‌سازی عملیات آمریکا نبود.»

واقعیت آن است که تحلیل‌گر برای درک صحیح و بی‌پیرایه و نیز شناخت میزان حقانیت هر مقوله سیاسی - امنیتی باید افزون بر کشف زوایایی پنهان و حلقه‌های مفقوده موضوع، نیم‌نگاهی نیز به اعتبار و جایگاه سیاسی - اطلاعاتی فرد روایتگر ماجرا داشته باشد؛ زیرا چنین فردی نقش رابط را میان سیاستمداران و سازمان‌های امنیتی از سویی و رسانه‌ها و طبقه مردم عادی جامعه از دیگر سو برعهده دارد. در ماجرای مارلین نیز نباید نقش ریزان به عنوان نگارنده و افشاکننده و نیز حلقه رابط میان این دو طبقه مورد غفلت قرار گیرد.

راوی کیست؟

به راستی جمیز ریزان کیست و چه جایگاهی در حوزه مسائل امنیتی دارد؟! نگاهی گذرا به پیشینه حرفه‌ای وی کمک شایانی به فهم بهتر و کامل‌تر پروژه مارلین فراروی محققان قرار می‌دهد. وی روزنامه‌نگار متخصص در شئون امنیت ملی و حیطه موضوعات اطلاعاتی است که قبل از این نیز اسرار و فضایح دیگری از دولت آمریکا و سازمان اطلاعاتی سیا افشا ساخته بود.

جمیز ریزان در سال ۲۰۰۲ به پاس تلاش‌هایش در پوشش خبری وقایع یازده سپتامبر موفق به کسب جایزه پولیتزر (معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری آمریکا) شده بود. وزارت دادگستری ایالات متحده پس از انتشار کتاب اخیر وی از ریزان خواسته تا منابع اطلاعاتی خود را فاش سازد. امری که اعتراض بسیاری از مراقبان و ناظران عرصه آزادی مطبوعات را برانگیخته است.

گره‌ها و ابهام‌های داستان

از راوی این ماجرا که بگذریم، در متن داستان و وقایع پیرامون آن، ابهامات بسیاری وجود دارد که بدون پردازش موشکافانه و ارائه پاسخ‌های در خور به آن‌ها،

